



سیره امام سجاد(ع) در کادرسازی فکری و تجدید حیات معنوی جامعه

شناخت دقیق سیره امام سجاد (علیه السلام) به عنوان یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین دوره‌های امامت، کلید درک چگونگی بقا و استمرار حیات معرفتی اسلام پس از فاجعه کربلاست.

شناخت دقیق سیره امام سجاد (علیه السلام) به عنوان یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین دوره‌های امامت، کلید درک چگونگی بقا و استمرار حیات معرفتی اسلام پس از فاجعه کربلاست.

به گزارش خبرنگار مهر، شناخت دقیق سیره امام سجاد (علیه السلام) به عنوان یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین دوره‌های امامت، کلید درک چگونگی بقا و استمرار حیات معرفتی اسلام پس از فاجعه کربلاست. دورانی که حضرت آغازگر آن بودند، از سخت‌ترین و محنت‌بارترین روزگاران در کل تاریخ ۲۵۰ ساله امامت به شمار می‌رود. پس از شهادت سیدالشهدا (ع)، دنیای اسلام به ظاهر یکسره در سیطره بنی امیه درآمد؛ اختناق شدید، ترویج انحطاط اخلاقی و ارباب عمومی، ساختار روحی و فکری جامعه را به مرز اضمحلال کشانده بود.

در چنین بستر هولناکی، امام سجاد (ع) نه در موضع انفعال، بلکه در قامت یک رهبر حکیم و سیاستمدار الهی، رسالت بی‌بدیل خود را بر پایه سه محور بنیادین استوار ساختند: نخست، صیانت از اصول و حقایق اسلام راستین در برابر هجمه سلاطین جور؛ دوم، کادرسازی فکری و تجدید حیات معنوی جامعه از دست رفته؛ و سوم، تبیین دقیق و بی‌پرده جایگاه اصیل اهل بیت (ع) به عنوان جانشینان حقیقی پیامبر اکرم (ص). ابزار بنیادین و راهبردی حضرت در این مبارزه عمیق و لایه لایه، قالب بی‌نظیر «دعا و تضرع» بود که والاترین تجلی آن در کتاب شریف صحیفه سجادیه ظهور یافت.

این اثر که در میان بزرگان معارف اسلامی به «اُخت القرآن»، «انجیل اهل بیت» و «زبور آل محمد» شهرت دارد، صرفاً کتابی حاوی مناجات‌های فردی نیست، بلکه یک منشور کامل جامعه‌سازی، نظام نامه اخلاق توحیدی و درس نامه‌ای حیاتی برای رهایی جامعه از انفعال و انحراف فکری است.

تحلیل شرایط تاریخی عصر امام سجاد (ع) و خفقان فراگیر اموی

برای فهم عمق عظمت کارآمدی حرکت امام سجاد (ع)، تبیین بستر تاریخی و وضعیت سیاسی-اجتماعی پس از سال ۶۱ هجری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. فضای حاکم بر جهان اسلام پس از واقعه عاشورا، فضایی آکنده از ترس مفرط، ناامیدی عمیق و سقوط آشکار ارزش‌های اخلاقی بود. شکست حرکت‌های جسته و گریخته مانند قیام توأبین در سال‌های ۶۴ و ۶۵ هجری که تحت تأثیر فشارهای وجدانی ناشی از رها کردن امام حسین (ع) شکل گرفت و به قتل عام کامل آنان منجر شد، به وضوح نشان داد که کانون‌های مقاومت عاطفی و بدون پشتوانه عمیق معرفتی، به سرعت توسط دستگاه اموی سرکوب می‌شوند.

با از بین رفتن این جریان‌ها، حاکمیت اموی از یزید به مروان و سپس به عبدالملک مروان منتقل شد؛ دورانی که سیاست واحد آن، محو کامل آثار اسلام واقعی و منزوی ساختن هر فردی بود که پتانسیل هدایت جامعه و ادعای جانشینی پیامبر (ص) را داشت. در این عصر، بیشتر علما و محدثان بزرگ یا از ترس جان سکوت کرده بودند و یا با شیب تند به سمت وابستگی به دربار حاکم و توجیه جنایات آنان حرکت می‌کردند.

جامعه دچار نوعی مسخ‌شدگی فکری و بی‌حسی مدنی شده بود و مکه و مدینه که روزی کانون‌های وحی و معنویت بودند، تحت سیاست‌های بنی‌امیه به مراکز غنا، طرب و غفلت بدل گشتند. انحطاط اخلاقی تا بدان‌جا پیش رفته بود که ارزش‌های اصیل اسلامی زیر دست و پای سلاطین جور لگدمال می‌شد. در چنین دوران سیاهی که هیچ امامی در تاریخ با حجم عظیمی از تنهایی و تضییق مواجه نبوده است، امام سجاد (ع) امامت خود را آغاز کردند و با صبر استراتژیک، بنیان‌گذار نهضت بازسازی درونی دنیای اسلام شدند.

راهبرد جهادی امام سجاد (ع)؛ صیانت، تربیت و کادرسازی الهی

امام سجاد (ع) به عنوان قهرمان صبور و مقاوم اهل بیت (ع)، مبارزه‌ای چندلایه را طراحی کردند که هدف اولیه آن، جلوگیری از انقراض کامل تفکر اسلامی بود. حضرت می‌بایست معرفت حقیقی را که در سینه مبارکشان نهفته بود، به نسلی منتقل می‌کردند که از مبانی دین چیزی جز پوسته‌ای بی‌محتوا ندیده بود. هدف دوم حضرت، کادرسازی و ساختن بستر انسانی صالح بود.

مدینه و کوفه نیازمند کانون های فکری جدیدی بودند که از درون آن ها انسان هایی باایمان، شجاع و آگاه متولد شوند تا بتوانند در آینده بار سنگین معارف ناب را به دوش بکشند. هدف سوم نیز زنده نگه داشتن ادعای برحق اهل بیت (ع) در رهبری امت اسلامی بود.

روش هوشمندانه امام برای پیشبرد این اهداف بدون برانگیختن حساسیت های کشنده دستگاه جاسوسی عبدالملک مروان، پناه بردن به زبان نیایش و مناجات بود. در حقیقت، دعا برای امام سجاد (ع) یک تاکتیک دفاعی صرف نبود، بلکه رسانه ای پویا و انقلابی برای بیان تندترین مفاهیم سیاسی، عمیق ترین مباحث کلامی و دقیق ترین اصول تربیتی در پوشش تضرع به درگاه باری تعالی بود. حضرت در قالب دعا، مشروعیت بنی امیه را زیر سؤال می بردند، وظایف کارگزاران اسلامی را یادآور می شدند و مرزهای عقیدتی اسلام ناب را از تحریف های اموی جدا می کردند. این راهبرد دقیق، مانع از حذف فیزیکی جریان امامت شد و بستر را برای انقلاب علمی امام باقر (ع) و امام صادق (ع) در دهه های بعد کاملاً مهیا ساخت.

جایگاه ساختاری و تمدنی صحیفه سجادیه در هندسه معرفتی شیعه

صحیفه سجادیه فراتر از یک مکتوب حدیثی، متقن ترین و بااصالت ترین میراث مکتوب برجای مانده از قرن اول هجری است. این کتاب ارزشمند که بر اساس قواعد فقه الحدیثی و اعتراف علمای بزرگ شیعه و سنی از تواتر قطعی برخوردار است، مجموعه ای جامع از نقشه های راه برای هدایت فرد و جامعه است. از کل ۷۵ دعای صادر شده از زبان مبارک امام، ۵۴ دعا به دست ما رسیده است که محققان برجسته ای چون شیخ حر عاملی در «صحیفه ثانیه» و دیگرانی چون محدث نوری و محسن امین در مستدرکات بعدی، بخش های دیگر آن را گردآوری کرده اند. اعتبار این متن به حدی است که علامه محمدتقی مجلسی بیش از ۶۰۰ طریق عالی و بی واسطه برای نقل آن ذکر کرده است.

درک جایگاه تمدن سازی صحیفه سجادیه مشروط به فهم توان جامعه سازی اخلاقی و معنوی آن است. امام سجاد (ع) با این ادعیه، جامعه سقوط کرده و مایوس اسلامی را بازسازی کردند. صحیفه سجادیه یک منظومه کامل است که به انسان یاد می دهد چگونه در سخت ترین شرایط سیاسی و روانی، ارتباط پیوسته خود با مبدأ هستی را حفظ کند، دچار خودباختگی نشود و با تکیه بر معرفت توحیدی، نقش فعال خود را در پهنه گیتی ایفا نماید. بزرگانی چون امام خمینی (ره) و رهبر شهید انقلاب اسلامی همواره بر انس بنیادین با این متن تمدن ساز تأکید کرده اند، چرا که هندسه فکری صحیفه، ذهن انسان را از سطح مناجات های صوری به عمق مسئولیت پذیری اجتماعی و تمدنی ارتقا می دهد.

درس نامه ای برای رهایی از انفعال و انحراف

در میان منظومه درخشان صحیفه سجادیه، دعای بیستم که به «دعای مکارم الاخلاق» شهرت دارد، بسان ستاره قطبی و قدر اول این کتاب شریف می درشد. این دعای نورانی مورد عنایت خاص اهل معرفت و مفسران برجسته معارف اسلامی است و به عنوان یک دستورالعمل جامع برای سالکان طریق انسانیت شناخته می شود. رهبر شهید انقلاب اسلامی در بیانات ارزشمند خود، این دعا را یک «درس نامه زندگی» نام و تمام نامیده اند؛ منشور معرفتی دقیقی که به ویژه برای نسل جوان و تشکل های دانشجویی، بهترین پادزهر در برابر دو آسیب بزرگ جامعه یعنی «انفعال» و «انحراف» است.

در محیط های جوان و نخبگانی، انفعال ناشی از ناامیدی و احساس بن بست، و انحراف ناشی از التقاط های فکری و سستی مبانی اعتقادی، همواره دو تهدید جدی بوده اند. راه مقابله با این دو آسیب، تقویت مایه معنوی و مبانی معرفتی است که دعای مکارم الاخلاق با تبیین فرازهای خود، این ساختار را در روح انسان مستقر می سازد. امام سجاد (ع) این دعا را با این فراز تکان دهنده آغاز می فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ يَأْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَانْتَهِ يَنِيَّتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ، وَيَعْمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ»؛ در این عبارات، اوج کمال خواهی و بلندنظری موج می زند.

امام از خداوند صرف ایمان یا یقین را نمی خواهند، بلکه «اکمل الایمان»، «افضل الیقین»، «احسن النیات» و «احسن الاعمال» را طلب می کنند. این الگوی تربیتی به انسان مؤمن می آموزد که هرگز به وضع موجود خود قانع نباشد و همواره قله های کمال و فضیلت را هدف قرار دهد. این روحیه بلندپروازی مثبت معنوی، دقیقاً همان چیزی است که رخوت و انفعال را از جامعه می زداید و پویایی همیشگی را تضمین می کند.